

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی - حمد محبوب عالم و مقصود...

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



از آثار حضرت بهاء الله - آثار قلم اعلی - جلد ۳ (۱۶۳ بدیع)، لوح رقم (۳۵۰)، صفحه ۶۴۸ - ۶۴۵

بسم ربنا الاقدس الاعظم العلیّ الابهی

حمد محبوب عالم و مقصود امم را لایق و سزااست که لازال اخذ و عطا از یمین و یسار اراده اش جاری و ظاهر اخذ نماید آنچه را عطا فرمود و عطا فرماید آنچه را اخذ نمود در اخذش صد هزار حکمت بالغه مستور و همچنین در عطایش بلندی و علو مقام عطا را از اخذ معلوم نمود از آردی که سنگ آسیا بر سرش گشته آدم پدید آرد از زحمت آن این نعمت حاصل و از شدت آن این رخا پدیدار این است که مقررین و موحدین و مخلصین جمیع امور را تفویض نموده اند و باستقامت تمام بر آنچه وارد شده صبر نموده اند چه که آنه یعلم ما عندنا لا نعلم ما عنده و هو العليم الخبير نامه آن دوست مکرم رسید تلقاء عرش عرض شد هذا ما نطق لسان العظمة قوله جلّ جلاله بسمی المظلوم یا حسین در بلایای حسین تفکر نما در ظاهر بلا مینمود و شدید و عظیم بود ولکن بحر رحمت از او موج و نور مبین از او مشرق و شمس فضل از او بازغ شریعت غرّای رسول الله را شهادت آن حضرت معین و ناصر شد عمل آن حضرت بکینونته آفتاب آسمان فرقان بوده و حدیقه معانی را او ساقی و آبیاری اگر سَرّی از اسرار بلایای فی سبيله ذکر شود جمیع رایگان قصد میدان نمایند و شهادت طلبند امروز هر مقامی را ملاحظه کنی حق در آنجا قائم یعنی مقام اَبّ اَبّ و فوق آن و دون آن اینقدر ترا کافی است که قلم اعلی در این مقام ترا تعزیت میفرماید و تسلی میدهد و مصعود مسعود را ذکر مینماید او بطراز محبة الله مزین و بیان قلم رحمن موقن و معترف و حال در جوار رحمت ساکن و از فیوضات لا یتناهی مرزوق طوبی له و لک و لمن معک و للذین ارسلنا لکلّ واحدٍ لوحاً لاحت من افقه شمس عنایة ربّک المشفق الکریم البهاء علیک و علی من صعد الی الرفیق الاعلی و فاز بما قدّره من لدی الله ربّ العالمین انتهی نامه آنجناب فی الحقیقه سبب حزن کامل شد چه که حامل خبر حزن انگیز بود حق شاهد و گواه که کمال همّ و غم روی نمود ولکن چون در ساحت امنع اقدس عرض شد و آیات باهرات از سماء مشیت نازل شعله احزان بغتة ساکن و لهیب نیران هموم متوقّف بل پیفسرد افسردنی که روشنی نپذیرد چه که بیاناتی در این مقام از لسان مقصود امکان جاری که هر نفسی رجای موت نمود که شاید بمثل آن فائز گردد هنیئاً لمن صعد الیه منتسین را از قبل این فانی تکبیر و سلام برسانید و تسلی بدهید مطلب دیگر آنکه در وقت تشریف بردن آنجناب اسامی چندی نوشته و بساحت اقدس ارسال داشتند و وعده نزول الواح از سماء عنایت ظاهر و مدتهاست نازل شده این کَرّه ارسال شد مطابق عدد حب ۱۰ از حق جلّ جلاله سائل و آمل برساند و خلق را بدعاً بطراز جدید



ORIGINAL

مزین دارد تا از حوادث روزگار و بغضای اشرار و عداوت علما و حسد فقها محزون و مضطرب نشوند وقتی از اوقات این کلمه علیا از لسان مولی الوری ظاهر قوله جلّ کبریائه یا عبد حاضر دوستان الهی الیوم بعنایت و شفقتی فائزند که اقلام عالم و ابجر آن از احصاء آن عاجز نباید از حوادث فانیه محزون شوند آنچه در قلب خطور نماید و یا قوه خیالیّه آنرا ترتیب دهد لدی الله از برای اولیا موجود و مخلوق و حاضر و منتظر در اینصورت حزن جائز نه سرور اندر سرور فرح اندر فرح بهجت اندر بهجت نعمت اندر نعمت است یشهد بذلك من نطق و ینطق انه لا اله الا هو الظاهر الباهر الفرد الواحد المقتدر المعین الحمد لله ربّ العالمین انتهى رجا آنکه اولیای آن ارض را اگر بحکمت موافق باشد تکبیر برسانند شوق قلب و فؤاد از حدّ و حصر خارج ولکن نظر بحکمت منزله در الواح ذکر اسم جائز نه البهاء و التّکبیر و الثناء علی جنابکم و علی الذین فازوا بامر الله العزیز الحکیم.

خادم فی ۱۸ شهر ربیع الثانی سنه ۱۳۰۲